یادداشت کلاسی درس جامعه شناسی اوقات فراغت

**جنسیت و اوقات فراغت**

علی محمدزاده (310291039)

یکی از موضوعات قابل توجه در جامعه شناسی اوقات فراغت، بحث جنسیت و فراغت است. در تقسیم بندی های اجتماعی، زنان و مردان در لایه های متفاوتی جای می گیرند. زنان غالبا در «حوزه خصوصی» خانواده قرار می گیرند و مراقبت های عاطفی و انجام امور خانگی را برعهده دارند. در حالی که مردان در «حوزة عمومی» کار و سیاست واقع می شوند و تحت حمایت حوزه «خصوصی» قرار می گیرند و زنان به آنها خدمت می کنند. زنان شاغل هم کار استخدامی و هم رسیدگی به کارهای خانه را انجام می دهند.

این مسئله حاکی از تبعیضی علیه زنان است و برای رفع تبعیض از زنان، لازم است که طرز فکر خویش را تغییر دهیم. غالباً خود زنان با قبول این موضوع که مردان «کار واقعی» انجام می دهند، باعث گسترش اندیشه پدرسالاری می شوند و به مردان حق می دهند که اوقات فراغت داشته باشند. بسیاری از زنان از داشتن وقت آزاد و پرداختن به فعالیت های فراغتی احساس گناه می کنند. درنتیجه، گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون باید با انجام کارهای اضافی خانه مانند اطوکشیدن، شست وشو یا کارهای بافتنی همراه باشد.

می دانیم که سه عامل کلیدی در فراغت عبارت اند از: زمان، فضا و شیوه های فراغت. و زنان در هر سه مورد وضعیت نامساعدی برای فراغت دارند. وقت آنها برای اوقات و فعالیت های فراغتی محدود است، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که زنان می توانند در آنجا به فعالیت های فراغتی بپردازند، محدود است و در واقع گزینه های اوقات فراغت آنها دچار محدودیت است.

در بیشتر موارد، نخستین مسئولیت زنان، سازماندهی امور خانه و انجام کارهای خانه است صرف نظر از این که آنها شغل با دستمزد داشته باشند یا نداشته باشند. بر خلاف استخدام با دستمزد، این گونه کارهای خانه حد و مرز مشخصی ندارد. مسئولیت های خانگی به گونه ای است که تنظیم وقت و مشخص کردن مرز کار از اوقات فراغت را دشوار می سازد. بنابراین باعث تکه تکه شدن اوقات فراغت می شود. از این رو، برای زنان ترسیم خط میان کار و فراغت دشوار است و در نظر گرفتن فراغت به منزله وقت آزاد با تجربه بیشتر زنان بیگانه است (هیوود و دیگران، ۱۳۸۰).

این نکته نیز قابل تامل است که بسیاری از زنان از فضای یکسانی برای کار و اوقات فراغت بهره می گیرند که عمدتا همان خانه است. بنابراین، بر خلاف مردان، بیشتر فعالیت ها و اوقات فراغت زنان به ویژه زنان دارای کودک خردسال، خصوصی و خانه محور است. همچنین شمار موسسات و فضاهای فراغتی عمومی که زنان می توانند در آن حضور یابند، بسیار کمتر است. برخی از این فضاهای تفریحی و ورزشی اساسا مردانه اند و زنان در آن احساس امنیت نمی کنند. به این محدودیت های فضایی باید عامل مادی درآمد را نیز افزود. زنان به لحاظ اینکه اغلب به لحاظ درآمدی استقلال ندارند، به شوهرانشان وابسته هستند. غیر از اینکه موقعیت خانه و کارخانگی، امکان اشتغال دائمی به زنان را نمی دهد در نتیجه غالب آنان در بازار کار ثانویه و در مشاغل نیمه وقت و کم اهمیت تر به کار مشغول می شوند. به دوش کشیدن مسئولیت سنگین کارهای خانگی (خانه داری و بچه داری و تربیت فرزندان) به تنهایی و اضافه شدن کار بیرون خانه به آن، در اوقات فراغت زنان محدودیت های آشکاری ایجاد می کند با این اوصاف، غالب آنها نه تنها به وقت آزاد بلکه به فضا و تسهیلات مناسب و وسیله نقلیه ایمن و درآمد قابل مصرف برای پرداختن به اوقات فراغت دسترسی ندارند.

با این همه در دهه های اخیر برخی دگرگونی های های فرهنگی و اجتماعی سبب شده که زنان حصار محدود خانه ها را شکسته و وارد فضای عمومی شده اند. سه عامل کلیدی تحصیل، تغییر الگوی مصرف و سبک زندگی در خانه ها و اشتغال سبب ورود بیشتر زنان ایرانی در دهه های اخیر به مکان های عمومی شده است.

پژوهش های اخیر نشان می دهد الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری به ویژه در اقشار متوسط، از شکل انفعالی و درون خانگی به شکل فعالانه و برون خانگی میل می کند. در تحقیقی که در سال ۱۳۸۱ درباره اوقات فراغت زنان شهرنشین ایرانی انجام شده است، میانگین اوقات فراغت زنان ۲۰ تا ۶۵ ساله شهری حدود سه و نیم ساعت در روز،آن هم بیشتر در بعد از ظهر ها است که بیش از دو ساعت آن صرف تماشای تلویزیون می شود. غالب این زنان ذکر کرده اند که به سبب کمبود امکانات و فضاهای مناسب و محدود بودن گزینه های اوقات فراغت، بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و کنار خانواده می گذرانند. بر اساس نتایج این پژوهش هر چه میزان تحصیلات زنان افزایش می یابد، و به ویژه در نسل های جوان تر که سن ازدواج افزایش و تعداد فرزندان کاهش یافته و مشارکت مردان در کارهای خانگی رو به افزایش گذارده و مهم تر از همه با دگرگونی در ارزش ها و سبک زندگی که پیش تر از آن سخن گفتیم، زنان و دختران جوان شهری وقت بیشتری برای فراغت های شخصی فعال و برون خانگی، صرف و آن را به فرصتی برای شکوفایی فردی و اجتماعی بدل می کنند.

از این رو به ویژه در تهران شاهد آن هستیم که دختران به جای استراحت در خانه، انجام کارهای منزل، تماشای تلویزیون، ویدئو و ماهواره، مطالعه کتاب و روزنامه و کارهای هنری به سوی انواع فراغت های بیرون از خانه شامل ورزش، سینما، موزه ها، پارک ها، کافی شاپ ها و مسافرت ها و رفتن به مراکز خرید و قدم زدن در خیابان ها متمایل شده اند.

امکان حضور سالم و مناسب در عرصه های تحصیلی و شغلی، کسب هویت های تاملی و مستقل و ایجاد تفکر انتقادی در این قشر از زنان، می تواند بسیاری از آسیب های شخصیتی و از جمله فراغت های آسیب زا، مصرف گرایی، مدگرایی و خرید های تفننی را در آنها کاهش دهد. گسترش تسهیلات فراغتی برون خانگی از جمله فرهنگسرا ها و مراکز ورزشی و تفریحی برای جوانان به ویژه دختران جوان، ابعاد آسیب زای گذران فراغت در فضاهای بسته را کاهش می دهدف زیرا در هر حال با میزانی از کنترل های جمعی همراه است. باید در برنامه ریزی های شهری برای حضور شایسته زنان و دختران در عرصه اجتماع ،فضاهای فراغتی مناسبی پیش بینی و احداث شود تا بدین وسیله از کشانده شدن آنان به مراکز خرید و مصرف و فضاهای سربسته و ناامن که احتمال گذران آسیب زای اوقات فراغت در آن بیشتر است ممانعت گردد.

منابع:

یادداشتی از خانم دکتر رفعت جاه تحت عنوان «دختران و اوقات فراغت».

استریناتی، دومینیک‌،۱۳۷۹، مقدمه‌ای برنظریه‌های فرهنگ‌عامه، ترجمه ثریا پاک نظر،تهران، گام نو.

طهماسیان، پری و دیگران،۱۳۷۹، زنان و اوقات فراغت، نشر یاسمن.

لس هیوود و همکاران،۱۳۸۰، اوقات فراغت، ترجمه محمد احسانی، نشر امید دانش.